

همایش اختیارات زبانی سکوی آخر

هضم تکنیکی فنون به سبک رتبه 17

با علی قهار ری

FARASOOLOMFONON



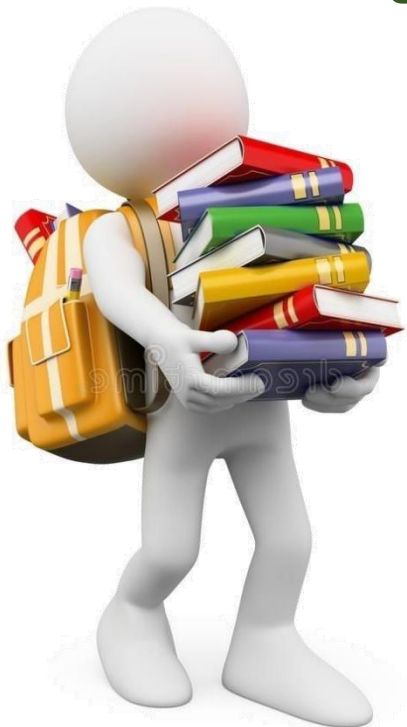
حذف همزه:

نجوید جان از آن قالب جـدایی / که باشد خون جامش در رگ و پی

ابروی دوست کی شود دستکش خیال من؟ / کسی نزده است از این کمان تیر مراد بر هدف

از چشم شوخش ای دل، ایمان خود نگه دار / کان جادوی کمان کش بر عزم غارت آمد

سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی / دل ز تنهایی به جان آمد، خدا را مرهمی



* همه ابیات حذف همزه به چشم می خورد بجز: (سراسری 99)

(1) برون خرام و ببر گوی خوبی از همه کس / سزای حـور بده رونق پـری بشکن

(2) چو عندلیب فصاحت فرو شد ای حافظ / تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن

(3) چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد / تو قیمتش به سر زلف عنبری بشکن

(4) به زلف گوی که آیین دلبری بگذار / به غمزه گوی که قلب ستمگری بشکن



بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه:

یوسف گمگشته باز آید به کنعان، غم مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

مرا تو جان شیرینی، به تلخی رفته از اعضا / الا ای جان به تن باز آ، وگرنه تن به جان آید

سری دارم فدای خاک پایت / گر آسایش رسانی ور گزندم

ملامت گو چه دریابد میان عاشق و معشوق / نبیند چشم نابینا خصوص اسرار پنهانی

مواردی که شامل (الف) میشوند:

الف) مصوت کوتاه پایان کلمه:

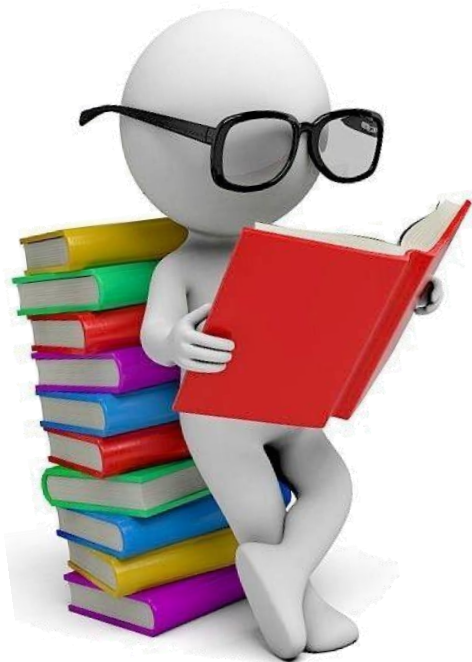
همه کارم ز خودکامی به بدنای کشید آخر نهان کی ماند آن رازی کز او سازند محفل ها

ب) (و) عطف یا ربط (ـ):

می روی و گریه می آید مرا / ساعتی بنشین که باران بگذرد

پ) کسره اضافه:

دیشب کله زلفش با باد همی کردم / گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی





***در مصراع اول ابیات همه گزینه ها بجز بیت گزینه ... اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه بکار رفته است (کانون قلمچی)**

یک) رفت خادم وان جوان را پیش برد / سوی گورش هم به پای خویش برد
دو) آن جوان آن جا چونک خویش دید / زلف او در دست و او را پیش دید
سه) می ندانست آن گدای بی قرار / تا کدامین چینه بیند آن نگار
چهار) چون درآمد آن جوان بی قرار / مجلسی می دید الحق چون نگار





***در همه ابیات هر دو اختیار (زبانی و وزنی) وجود دارد بجز: (سراسری 1400)**

یک) گره به باد مزین گرچه بر مراد رود / که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت
دو) حافظ از آب حیات ازلی می خواهی / منبعش خاک در خلوت درویشان است
سه) مستم کن آنچنان که ندانم ز بی خودی / در عرصه خیال که آمد کدام رفت
چهار) زنهـار از آن عبارت شیرین دل فریب / گویی که پسه تو سخن در شکر گرفت





*** در کدام بیت اختیار زبانی دیده نمی شود؟ (قلمچی 1400)**

یک) گر منزلتی دارم بر خاک درت میرم / باشد که گذر باشد یک روز بر آن خاکت

دو) کسی را که اختیاری هست و محبوبی و مشروبی / مراد از بخت و حظ از عمر و مقصود از جهان دارد

سه) آن بار که گردون نکشد یار سبک روح / گر بر دل عشاق نهد بار نباشد

چهار) امشب که بزم عارفان از شمع رویت روشن است / آهسته تا نبود خبر رندان شاهدباز را





* کدام گزینه فاقد اختیار زبانی است؟ (کانون 98)

یک) در آن حال پیش آمدم دوستی / کزو مانده بر استخوان پوستی

دو) چو تو خود کنی اختر خویش را بد / مدار از فلک چشم نیک اختری را

سه) در چنان روز مرا آرزویی خواهد بود / آرزویی که همی داردم اکنون پژمان

چهار) می کوش به هر ورق که خوانی / کان دانش را تمام دانی

